

رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد مرتکب بی‌وفایی زناشویی

حسین اسکندری^۱، سعیده هادی^۲، فرامرز سهرابی^۳، عبدالله معتمدی^۴ و نور علی فرخی^۵

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۷

هدف: هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افرادی است که مرتکب بی‌وفایی در روابط زناشویی شده بودند. روش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه افرادی بود که در بهار سال ۱۳۹۵ به دلیل بی‌وفایی زناشویی به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند. از این میان ۴۲۸ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های سبک دلبستگی بزرگسالان هیزن و شیور (۱۹۹۷)، و تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) و جونز جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها: نتایج بدست آمده نشان داد سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۱۳ درصد از تغییرات تعهد زناشویی افراد مرتکب بی‌وفایی را پیش‌بینی نمایند. همچنین ضریب بتا سبک دلبستگی اضطرابی ($p \leq 0/01$) و ضریب بتا سبک دلبستگی اجتنابی ($p \leq 0/05$) بر تعهد زناشویی معنادار بود. اما ضریب بتا دلبستگی ایمن معنادار نبود. نتیجه‌گیری: از آنجا که ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی می‌باشد و با توجه به نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی ناایمن یعنی اضطرابی و اجتنابی، باید بر لزوم بررسی این دو متغیر در مشاوره‌های پیش از ازدواج و همچنین آموزش والدین در زمینه تربیت کودک و سبک‌های دلبستگی تأکید کرد.

کلید واژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی، بی‌وفایی زناشویی.

۱. نویسنده مسؤل. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی. Sknd40@gmail.com.
۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. استاد گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه

کارکردهای (مثبت و منفی) خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، تأثیرات مختلفی، در اجتماع به همراه خواهد داشت. یکی از کارکردهای منفی خانواده که امروزه شاهد رواج بیشتر آن می‌باشیم، پدیده خیانت و عدم تعهد زوجین می‌باشد. منظور از خیانت داشتن ارتباط جنسی یا عاطفی با شخص دیگری غیر از همسر می‌باشد (هرتلین، وچلر، و پرسی،^۱ ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده است که در ازدواج‌هایی که یکی از زوجین دست به خیانت یا نقض تعهد زناشویی می‌زند احتمال طلاق افزایش می‌یابد (اگن،^۲ ۲۰۰۵؛ نقل از ترابیان، ۱۳۹۰). تعهد نقش تمام و کمال در برانگیختن زوجین برای روپوشدن با بحران‌های ازدواج به منظور باقی ماندن در ازدواج بازی می‌کند. روزبولت، جانسون و مارو^۳ (۱۹۸۶) سطح تعهد زناشویی را به صورت درجه‌ای که فرد گرایش به حفظ رابطه داشته و از لحاظ روانشناختی احساس می‌کند به آن وابسته است و جهت گیری بلند مدتی را به سوی آن حفظ می‌کند تعریف کردند. آریاجا و آگنیو^۴ (۲۰۰۱) نیز تعهد زناشویی را به معنای تمایل فرد جهت حفظ دائمی ازدواج و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تعریف کردند و آن را شامل اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی دانستند. آدامز و جونز^۵ (۱۹۹۷) در یک تلاش برای ارائه یک مدل جامع از تعهد زناشویی، کلیه مدل‌های موجود را مورد مطالعه قرار دادند. مدل پیشنهادی آنان توانست در آن زمان کلیه مدل‌ها را تحت پوشش قرار دهد. مطابق با این مدل، تعهد زناشویی مشتمل بر سه بعد: تعهد به همسر (جاذبه زناشویی) تعهد نسبت به ازدواج (التزام اخلاقی) تعهد اجباری (احساس به دام افتادگی) است.

روابط فرازناشویی یکی از بحرانی‌ترین مسائلی است که زوجین با آن مواجه می‌شوند. این روابط می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد. یک نوع روابط فرازناشویی می‌تواند

1. Hertlein, Wetchler & Piercy.

2. Aggen. S.H.

3. Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D.

4. Arriaga. X. B., Agnew. C. R.

5. Adams, J. M., & Jones, W. H.

صرفاً جنبه عاطفی داشته باشد، بدین صورت که یکی از زوجین با شخصی به غیر از همسرش یک رابطه عاطفی و صمیمانه‌ای داشته باشد. این روابط عاطفی می‌تواند به صورت درمیان گذاشتن احساسات و عواطف باشد تا رفتارهایی چون عاشق شدن را در برگیرد (بلو و هارتنت^۱، ۲۰۰۵). صورت دیگری می‌تواند این باشد که فرد با کسی به غیر از همسرش رابطه جنسی داشته باشد، رفتارهای جنسی مثل بوسیدن تا مراقبت جنسی از این مواردند (دریگوتاس و بارتا^۲، ۲۰۰۱).

به طور کلی مدل‌های نظری متعددی در مورد روابط فرازناشویی وجود دارد. رویکرد پژوهش حاضر بیشتر بر اساس نقش سبک‌های دلبستگی در بروز رفتارهای روابط فرازناشویی می‌باشد. به بیان مورگان و شاور^۳ (۱۹۹۹) درک تعهد به روابط عاشقانه، بدون در نظر گرفتن تأثیر سبک‌های دلبستگی بر تعهد زناشویی امکان پذیر نمی‌باشد. دلبستگی مستلزم یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت - مراقبت و ارامش است و شامل سه سبک اجتنابی، اضطرابی و ایمن می‌باشد (بالبی^۴، ۱۹۶۹). بر اساس نظریه دلبستگی فعالیت سیستم دلبستگی محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگر چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می‌ماند و انسان‌ها در هیچ سنی بطور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (آیزوت^۵، ۱۹۸۹).

سبک دلبستگی از جمله متغیرهایی است که در گزینش همسر موثر بوده و نقش تنظیم کننده‌ای در روابط عاشقانه و شاید مشکلات زناشویی ایجاد می‌کند. یک اصل اساسی در نظریه‌های دلبستگی این است که روابط اولیه با والدین و مراقبان، الگویی را برای روابط اجتماعی بعد فرد ارائه می‌دهد (بارتولوم و هورویتز^۶، ۱۹۹۱). سبک‌های

1. Blow, A. J., & Hartnett, K.

2. Drigotas, S. M., & Barta.

3. Morgan, H. J., & Shaver, P. R.

4. Bowlby, J.

5. Ainsworth, M. S.

6. Bartholomew, K., & Horowitz, L. M.

دلبستگی شیوه تعامل فرد به برقراری نوعی ارتباط نزدیک با افراد معین و داشتن احساس امنیت می‌باشد که در نوزادی در پی نحوه رفتار مراقبین اولیه فرد با او شکل گرفته و می‌تواند منجر به نوع سبک دلبستگی گردد. دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت و آرامش است و در تعامل فرد با محیط و نوع رفتار آتی او تأثیرگذار خواهد بود (بالبی، ۱۹۶۹). در پژوهش حاضر سه سبک دلبستگی ایمن، نا ایمن اضطرابی و نا ایمن اجتنابی بررسی شده است.

بر پایه تجربه با نمادهای دلبستگی، افراد بازنمایی‌های ذهنی از خویشتن و دیگری را در یک رابطه ایجاد می‌کنند. این «مدل‌های کاری درونی»^۱ پیرامون انتظارات برای پاسخگویی نماد سازماندهی شده و به فرد اجازه می‌دهند تا رفتارهای شریک خود را در رابطه‌ای بخصوص پیش‌بینی کند. همخوان و مکمل با مدل‌های کاری از نمادهای دلبستگی، مدل‌های کاری از خویشتن هستند. مدل‌های کاری زمانی ایمن هستند که فرد دسترسی‌پذیری روانی در مورد دیگران و خویشتن را پیش‌بینی کرده و به خویشتن در موقعیت‌های نیازمند به آسایش یا حمایت به دیده ارزش و کارآمدی بنگرد (اینزورث، ۱۹۹۱؛ به نقل از کوپک و هازن^۲، ۱۹۹۱). نا ایمنی در دلبستگی فرد به جفت‌های رمانتیک بزرگسالی در امتداد دو بعد قابل مفهوم بندی است: اضطراب در مورد ترک شدن و اجتناب از نزدیکی. اضطراب منعکس کننده نگرانی در مورد ترک شدن، میل به نزدیکی افراطی و تکیه بر دیگران برای حفظ احساس ارزشمندی خویشتن است، در حالیکه اجتناب عموماً بازتاب عدم آسودگی با نزدیکی و وابستگی متقابل است. از این رو، اضطراب را می‌توان شاخص نگرانی‌های مربوط به نزدیکی بقدر کافی در نظر گرفت، در حالیکه اجتناب نشانه‌ای است از نگرانی در مورد خودمختاری کافی در روابط. محققان و صاحب نظران بالینی توافق دارند که "افراد نیازهایی برای تعلق و خودمختاری دارند و چالش برای متعادل کردن این دو نیاز چالشی پایه‌ای در روابط نزدیک است". نظریه

1. Internal working model.

2. Kobak, R. R., & Hazan.

دلبستگی برای درک اینکه چطور افراد مختلف برای این تعادل دچار مشکل هستند قابل کاربرد است. همانطور که صاحب نظران اشاره کرده اند، برخی افراد ممکن است با این چالش‌ها توسط شرکت جستن در خیانت زناشویی مواجه شوند (آلن و باکوم^۱، ۲۰۰۴).

دلبستگی و چندی از سازه‌های مربوط به آن پیش بین‌های سودمندی برای درگیری در خیانت زناشویی هستند. به ویژه زنان مضطرب ممکن است با احتمال بیشتری درگیری خیانت زناشویی شوند و جفت‌های فرازناشویی بیشتری را گزارش دهند (بوگارت و سیداوا^۲، ۲۰۰۲؛ استفان و باخمن^۳، ۱۹۹۹)، چرا که آنچه که عموماً به عنوان نیاز بالا برای تماس نزدیک با دیگران و جذابیت جنسی قوی تفسیر می‌شود در افراد مضطرب قابل مشاهده است (هازن و شیور^۴، ۱۹۸۷). در مقابل، با بکارگیری سازه‌ای مشابه با دلبستگی، استفان و باخمن دریافتند که مردان اجتنابی به طور اخص احتمال بیشتری دارد که رفتار روابطی مختل از جمله خیانت زناشویی را گزارش دهند. فیلدمن و کافمن^۵ (۱۹۹۹) دریافتند که همبستگی معناداری میان سبک دلبستگی اجتنابی با خیانت میان نمونه‌ای از نوجوانان آمریکایی با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال که به همسر خود خیانت کرده اند، وجود دارد. خیانت در پژوهش آنان به عنوان خیانت جنسی توصیف شده بود که به طور مستقیم از شرکت کنندگان مورد پرسش قرار می‌گرفت. خیانت جنسی در این مطالعه به عنوان بازتابی از گرایش‌های فاصله‌گیری و به عنوان نشانگری از افراد اجتنابی تبیین شد. آلن و باکوم (۲۰۰۴) در یک بررسی تجربی در مورد رابطه میان الگوهای خیانت زناشویی و دلبستگی بزرگسالان در میان افراد نشان دادند که افراد با سبک دلبستگی هراسناک و شیفته (ناایمن اضطرابی) انگیزه‌های نزدیکی بیشتر را برای خیانت زناشویی نشان می‌دادند؛ در مقابل افراد با دلبستگی بی‌اعتنا انگیزه‌های خودمختاری را بیشتر برای خیانت زناشویی نشان می‌دادند. مردان با دلبستگی اضطرابی روابط فرازناشویی

1. Allen, E. S., & Baucom, D. H.
2. Bogaert, A. F., & Sadava, S.
3. Stephan, C. W., & Bachman, G. F.
4. Hazan, C., & Shaver, P.
5. Feldman, S. S., & Cauffman, E.

وسواس گونه را گزارش می‌دادند. سهرابی و رسولی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران، نشان دادند که بین سبک دلبستگی ناایمن و روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد و زنانی که سبک دلبستگی ناایمن خصوصاً سبک ناایمن اجتنابی دارند رابطه فرازناشویی بیشتری دارند.

مشکلات ناشی از خیانت و بی‌وفایی زوجین تنها محدود به روابط بین آن‌ها نمی‌گردد و تمام اعضای خانواده از جمله فرزندان نیز از این مشکلات تاثیر می‌پذیرند. با توجه به آنچه در زمینه افزایش نرخ بی‌وفایی و خیانت در بین همسران ذکر شد، در صورت تداوم و افزایش این آمار، ابتدال خانواده به عنوان اصلی‌ترین بنیان جامعه، منجر به انحطاط کل جامعه می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با تعهد زناشویی در افراد با بی‌وفایی زناشویی پرداخته است. نتایج چنین پژوهشی می‌تواند در زمینه مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج کاربرد وسیعی داشته باشد. در همین راستا آموزش زوج پیش از والد شدن در جهت تعامل با فرزند، برای پیشگیری از شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌تواند بر افزایش سطح تعهد زناشویی، به عنوان عامل بازدارنده در بروز و ظهور خیانت دخالت کرده و جامعه را از بی‌اعتمادی و ترس و عدم امنیت روانی و عاطفی نجات داد.

روش:

طرح تحقیق از نوع طرح همبستگی می‌باشد. جامعه مورد پژوهش کلیه افراد متأهل که مرتکب خیانت شده‌اند می‌باشد که در فروردین تا تیرماه سال ۹۵ به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند. از بین مراکز مشاوره موجود در تهران ۲۷ مرکز داوطلب همکاری با پژوهش حاضر شدند. گروه نمونه به روش دردسترس و بنا بر رضایت افراد برای همکاری در پژوهش انتخاب شدند. نمونه پژوهش شامل ۴۲۸ نفر از افراد با خیانت زناشویی می‌باشد. منظور از خیانت زناشویی هم خیانت عاطفی (ارتباط در حد گپ و گفت و

دیدار پنهانی و ابراز عواطف و فاقد مؤلفه‌های فیزیکی، و هم خیانت جنسی (ورود به برقراری ارتباط به شکل فیزیکی و داشتن رابطه جنسی) می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چندگانه همزمان انجام شد.

ابزارهای اندازه‌گیری؛

۱- پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (AAI): این پرسشنامه با استفاده از مواد آزمون هازن و شیور (۱۹۸۷) توسط بشارت (۱۳۸۵) ساخته شده است. این مقیاس یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد) می‌سنجد. هر مقیاس دارای ۵ سؤال می‌باشد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴ محاسبه شد که نشانه اعتبار بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۵). روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ بدست آمد (بشارت، ۱۳۹۱). ضریب آلفای کرونباخ سبک‌های دلبستگی اجتنابی، اضطرابی و ایمن در پژوهش حاضر به ترتیب برابر با ۰/۷۲۳، ۰/۶۱۷ و ۰/۵۵۵ بدست آمد.

۲- پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (DCI): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و دارای ۴۴ سوال است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارتند از: تعهد شخصی که تعهد نسبت به همسر مبتنی بر جذابیت همسر است. پرسشنامه روی مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شوند (کاملاً مخالفم نمره ۱

تا کاملاً موافقم (نمره ۵). در این پرسشنامه بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند اخذ نماید برابر با ۲۲۰ و پایین‌ترین نمره ۴۴ می‌باشد. در پژوهش آدامز و جونز (۱۹۹۷) پایایی پرسشنامه ۰/۸۹ گزارش شده است و در پژوهش محمدی (۱۳۹۲) نیز آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۷ و در پژوهش حاضر ۰/۸۵۱ بدست آمد..

روش اجرا

روند جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ها با مراجعه به بهزیستی کل کشور جهت معرفی به مراکز مشاوره سطح شهر تهران آغاز شد. به ۲۰۰ مرکز مشاوره تحت پوشش بهزیستی و سازمان نظام شناسایی و تقاضانامه همکاری ارسال شد و تلاش بر این بود که از تمام مناطق شهر تهران (شمال، شرق، غرب، جنوب، مرکز) مراکزی دعوت و تشویق به همکاری شوند. در نهایت ۲۷ مرکز به طور داوطلبانه اعلام همکاری کردند. در فروردین سال ۹۵ در هر مرکز جلساتی با زوج درمانگرها و مسئولین مرکز گذاشته شد و از آن‌ها درخواست شد که از بین افراد متأهلی که از فروردین تا تیر به مرکز مراجعه کرده و در جلسات مشاوره آن‌ها موضوع خیانت مطرح و تأیید شده و به طور داوطلبانه آمادگی همکاری با پژوهش را داشته‌اند، افراد نمونه را انتخاب کنند. سپس مسئولین مراکز و یا زوج درمانگرها پرسشنامه‌های پژوهش را در اختیار افراد نمونه قرار داده و به محرمانه باقی ماندن اطلاعات آن‌ها تأکید کرده و توضیحات کلی داده شده و هرگونه سؤالی از طرف افراد نمونه بود پاسخ دادند.

یافته‌ها؛

از بین ۴۲۸ نفر گروه نمونه ۲۱۹ نفر زن و ۲۰۹ نفر مرد بودند. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای تعهد زناشویی و سبک‌های دلبستگی گزارش شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مقیاس	تعداد سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
تعهد زناشویی	۴۴	۱۲۵/۳۱۵	۲۳/۸۳۲	۷۵	۲۰۴
دلبستگی اجتنابی	۵	۱۴/۶۱۷	۳/۹۰۰	۵	۲۵
دلبستگی اضطرابی	۵	۱۴/۰۳۷	۳/۸۴۹	۵	۲۵
دلبستگی ایمن	۵	۱۶/۰۱۹	۳/۳۴۴	۵	۲۵

ملاحظه می‌شود که میانگین سبک دلبستگی ایمن در گروه نمونه حاضر بیشتر از دو سبک دلبستگی دیگر می‌باشد.

برای انجام تحلیل رگرسیون، ابتدا مفروضه نرمال بودن تمام متغیرها بررسی شده است. برای این منظور از آزمون کالموگروف اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری این آماره برای تمام متغیرها یعنی، تعهد زناشویی، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و دلبستگی ایمن، بزرگتر از $0/05$ بدست آمد، می‌توان نتیجه گرفت توزیع نمونه تمام متغیرها نرمال می‌باشد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	تعهد زناشویی	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی ایمن
تعهد زناشویی	۱			
دلبستگی اجتنابی	$-0/198^{**}$	۱		
دلبستگی اضطرابی	$-0/334^{**}$	$0/334^{**}$	۱	
دلبستگی ایمن	$-0/094$	$-0/109^*$	$0/091$	۱

$$p \leq 0/05^* - p \leq 0/001^{**}$$

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بین سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با تعهد زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد ($p \leq 0/001$). اما بین دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی رابطه معنادار مشاهده نگردید.

برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی برای تعهد زناشویی از

روش رگرسیون همزمان استفاده شده است. با توجه به اینکه رابطه سبک دلبستگی ایمن با تعهد زناشویی معنادار نمی‌باشد، لذا وارد مدل رگرسیونی نشده است. مقدار دوربین واتسون ۱/۷۰۵ بدست آمد، که نشان دهنده این است که فرض استقلال خطاها برقرار می‌باشد. برای بررسی معناداری انجام تحلیل رگرسیون نیز از تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است. با توجه به سطح معناداری آماره F می‌توان گفت انجام تحلیل رگرسیون برای داده‌های پژوهش مناسب می‌باشد.

جدول ۳. تحلیل واریانس برای معناداری تحلیل رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیر ملاک		متغیرهای پیش بین
					بین‌گروهی	درون‌گروهی	
۰/۰۰۱	۲۸/۹۱۵	۱۴۵۲۴/۳۷۰	۲	۲۹۰۴۸/۷۳۹	بین‌گروهی	تعهد زناشویی	دلبستگی
		۵۰۲/۳۰۵	۴۲۵	۲۱۳۴۷۹/۶۷۹	درون‌گروهی		اجتنابی،
			۴۲۷	۲۴۲۵۲۸/۴۱۸	کل		اضطرابی

میزان ضریب همبستگی چندگانه نیز برابر ۰/۳۴۶ و مجذور همبستگی چندگانه نیز برابر با ۰/۱۲۰ بدست آمد که نشان می‌دهد، سه سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی، می‌توانند ۱۲ درصد از تغییرات تعهد زناشویی افراد خیانت کرده را پیش‌بینی نمایند. در ادامه ضرایب رگرسیون هر یک از سبک‌های دلبستگی گزارش شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دلبستگی

سطح معناداری	t	ضریب غیر استاندارد		متغیر
		ضریب استاندارد	Beta	
۰/۰۰۱	۳۱/۸۴۶		۵/۰۳۰	مقدار ثابت
۰/۰۴۵	-۲/۰۱۲	-۰/۰۹۷	۰/۲۹۵	دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰۱	-۶/۲۴۲	-۰/۳۰۱	۰/۲۹۹	دلبستگی اضطرابی

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بزرگترین ضریب رگرسیون استاندارد مربوط به سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۳۰۱-) و بعد از آن سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۰۹۷-) می‌باشد. با توجه به سطح معناداری می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد ضریب رگرسیون سبک دل‌بستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی و به احتمال ۹۵ درصد ضریب رگرسیون سبک دل‌بستگی اجتنابی بر تعهد زناشویی معنادار است. بنابراین با داشتن ضرایب رگرسیون می‌توان معادله پیش‌بینی تعهد زناشویی افراد با خیانت زناشویی را بر اساس سبک‌های دل‌بستگی به این صورت بیان کرد:

$$\text{تعهد زناشویی} = ۱۶۰/۱۸۵ + (\text{دل‌بستگی اجتنابی}) ۰/۵۹۴ - (\text{دل‌بستگی اضطرابی}) ۱/۸۶۶ -$$

زناشویی.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه ازدواج به عنوان مهم‌ترین قرارداد زندگی شناخته می‌شود. تعهد زناشویی مهمترین فاکتوری است که می‌تواند پایبندی به این قرارداد را تضمین کند. تعهدی که وفای به آن می‌تواند مرتبط با عوامل درونی از جمله سبک‌های دل‌بستگی زوج‌ها باشد که این رابطه در پژوهش حاضر بررسی شده است.

الگوهای عملی درونی انسان، تحت تأثیر تجارب مکرر و روزانه کودک با نمادهای دل‌بستگی ساخته می‌شوند. بنابراین الگوها در ابتدای کودکی تحت تأثیر تعامل کودک با مراقبین اولیه اش، شکل گرفته و از طریق این تصورات و الگوهاست که فرد وقایع محیط اطراف خود را درک و پردازش کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند و لذا انتظارات خود را شکل می‌دهد. ویژگی رفتار بهنجار و نابهنجار فرد در روابطش به شکلی عمیق ریشه گرفته از سبک دل‌بستگی اوست. در واقع این سبک دل‌بستگی است که به فرد امکان می‌دهد به رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی سالم دست پیدا کند و اعتماد و صمیمیت و تعهد در تعاملات را یاد بگیرد و به حس ارزشمندی و نگرش مثبت به خود را شکل داده و به

خود نظمی عاطفی و هیجانی دست پیدا کند. بنابراین سبک دلبستگی شکل گرفته در افراد تأثیرگذار بر تمام جوانب زندگی، از جمله روابط عاشقانه بزرگسالی خواهد بود و نقطه شروع نظام ارتباطی زوجین در ازدواج نیز هست.

نتایج این پژوهش نشان داد ضریب رگرسیون و همچنین ضریب همبستگی سبک دلبستگی اضطرابی بر تعهد زناشویی در افراد با روابط فرازناشویی با احتمال ۹۹ درصد معنادار بوده و در جهت منفی می‌باشد، یعنی هرچه قدر میزان سبک دلبستگی اضطرابی در افراد با روابط فرازناشویی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در آن‌ها کمتر خواهد بود. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های فتحی و همکاران (۱۳۹۱)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۳)، عبداللهی (۱۳۹۰)، سهرابی و رسولی (۱۳۸۷)، حمیدی (۱۳۸۶)، خوارزمی (۱۳۹۰)، عبدی (۱۳۹۱) آلن و باکلوم (۲۰۰۴) همسومی باشد.

افراد دوسوگرا به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی که دارند، همچنین به دلیل چسبندگی شدید و احساس خطر دایمی از بی‌وفایی همسر، بیش از حد برای همسر خود ایجاد مزاحمت روان شناختی کرده و با کنترل و چسبندگی دایمی به او، آزادیها، استقلال و خودمختاری طرف مقابل را سلب میکنند و در نتیجه سطح صمیمیت زناشویی در این نوع دلبستگی زوجی کاهش می‌یابد (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۳). سیمفون^۱ (۱۹۹۰) نیز نشان داد که سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با احساسات مثبت کمتر و با احساسات منفی بیشتر در ارتباط است.

جانسون و ویفن^۲ (۲۰۰۳) معتقدند مسئله اساسی در زوج‌های کمتر متعهد و علت اصلی عدم صمیمیت آن‌ها، دلبستگی نایمن است، زیرا نایمنی روابط را تخریب می‌کند و آشفتگی هیجانی ایجاد می‌کند. به اعتقاد آن‌ها کسانی که سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی را تجربه می‌کنند الگوهای متفاوتی را در روابط صمیمانه به نمایش می‌گذارند. این افراد همیشه گوش به زنگ رفتارهای همسرانشان هستند. و به دلیل بروز این پریشان حالی‌ها، رضایت از رابطه کمتر و جدایی‌های بسیاری را تجربه

1. Simpson, J. A.

2. Johnson, S. M., & Whiffen, V. E.

می‌کنند. سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی در مقایسه با ایمن‌ها، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهند. این بی‌علاقگی در خصوص تعهد پذیری‌های طولانی مدت به اوج خود می‌رسد (نقل از دونوان، ۲۰۰۳، ترجمه تبریزی و همکاران، ۱۳۸۶). هرچه فرد در دوران کودکی دچار مشکلات بیشتر و سبک دلبستگی نایمن تر باشد، در بزرگسالی نیز در روابط عاشقانه - دوستانه - جنسی و رفتار سازگارانة جمعی مشکلاتی را در پی خواهند داشت و این شخص با انتظاراتی مخدوش و تحریف شده از دیگران بزرگ می‌شود و به صورت ناهشیار، اشخاص صمیمی را وا می‌دارد تا با این الگوهای درونی از نقش‌ها جور شوند. و فرد بزرگسال برای جور کردن تمامی روابط صمیمی با این نقش‌های درونی، تلاش‌های ناهشیار بیشتری به عمل می‌آورد (سید محمدی، ۱۳۸۹؛ نقل از ترابیان، ۱۳۹۰). فرد دارای سبک نایمن در اولین تجربه ارتباط نزدیک خود با افراد مهم زندگیش، دچار آسیب روانشناختی شده و ترس از عدم امنیت در آنان نهادینه شده است. در واقع فرد نایمن اضطرابی نیاز شدید به ارتباط دارد اما تحت تسلط ترس از طرد شدن، و به دلیل نیاز شدیدش به کسب اطمینان از دوست داشته شدن، همیشه تحت فشار هیجانات شدیدی است که توانایی حل مسأله را در او مختل می‌سازد و عطش دائم دیده شدن و مطلوب واقع شدن او را در تنشی درونی نگه می‌دارد.

همچنین نتایج نشان داد که ضریب همبستگی سبک دلبستگی اجتنابی با تعهد زناشویی در سطح ۰/۰۱ و ضریب رگرسیون آن در سطح ۰/۰۵ و معنادار بوده و این رابطه در جهت منفی می‌باشد. به این معنی که هرچه قدر میزان دلبستگی اجتنابی بیشتر باشد، میزان تعهد زناشویی نیز در افراد با خیانت زناشویی کمتر خواهد بود.

جودی^۱ (۲۰۰۶) رابطه منفی معنادار بین سبک اجتنابی با تعهد را اعلام کرده است. سال ۲۰۰۴ نیز آگان و انگوس مطرح کردند افراد با سبک اضطرابی و اجتنابی (نایمن‌ها) سخت‌گیری کمتری در زمینه خیانت و درگیر شدن در آن دارند. فتحی (۱۳۹۱) در نتایج

پژوهشی خود مطرح کرده است که سبک اضطراب و اجتناب با تعهد رابطه معنادار منفی دارد. فرد ناایمن اجتنابی تردید در خودکفایتی و احساس ارزشمندی داشته و با تفکر دور نگهداشتن خود از آسیب‌های احتمالی در ارتباط، از لحاظ هیجانی و عاطفی فاصله می‌گیرد و روابط او گسسته و ناپایدارند. دیوال^۱ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی ممکن است کمتر در مقابل خیانت مقاومت داشته باشند چرا که این افراد از سطوح پایین تری از تعهد زناشویی برخوردارند. در واقع افراد با دلبستگی اجتنابی بالا نگرش سهل تری نسبت به خیانت دارند، همچنین توجه سوگیرانه بیشتری به سمت همسران جایگزین جذاب دارند. با شرکای جدید روابط مثبت تری را برقرار می‌کنند و زمان بیشتری را درگیر خیانت هستند.

برنان و شیور (۱۹۹۵) اعلام کردند که اجتنابی‌ها خیانت را روشی برای دستیابی به نزدیکی بدون تحمل آسیب روانشناختی در نظر می‌گیرند. به نظر می‌رسد اضطرابی و اجتنابی در رابطه با غیرهمسر، احساس نزدیکی و گشودگی و راحتی بیشتری را تجربه می‌کند چون در آن رابطه قید و بند و محدودیت و جبری برای ادامه وجود ندارد و هر زمان قصد خروج از رابطه را داشته باشد، راحت اقدام خواهد کرد و ضمناً مهم‌ترین نکته قبل از طرد شدن می‌تواند طرد کند! در تفکیک بین انواع خیانت نیز رد پای سبک ناایمن اضطرابی و اجتنابی مشهود است. با توجه به اینکه در یافته‌های جانبی پژوهش به تفاوت معناداری بین زنان و مردان دست نیافتیم، اما با توجه به آمار بالای مردان در خیانت جنسی و آمار بالای زنان در خیانت عاطفی و اثبات ناایمن بودن سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی) در این دو گروه، می‌توان اشاره داشت به نظر گلاس و رایت^۲ (۱۹۹۲) که معتقدند: خیانت زنان غالباً در برگیرنده نیاز به رابطه (نزدیکی هیجانی و عاطفی) است و خیانت مردان بیشتر با نیاز فردی (میل به تازگی) رابطه دارد. هر چند نگارنده معتقد است خیانت از هر جنبه‌ای که آغاز شود به جنبه دیگر ختم می‌شود. در واقع هیچ زنی خیانت عاطفی را نمی‌تواند در حد عاطفه نگهدارد و هیچ مردی نیز

1. DeWall, C. N.

2. Glass, S. P., & Wright, T. L.

خیانت جنسی را نمی‌تواند در حد رابطه جنسی بدون عاطفه حفظ کند، بنابراین داشتن سبک دل‌بستگی نایمن راه را برای ورود به فضای ارتباطی به نام خیانت باز خواهد کرد. جانسون و ویفن (۲۰۰۳) بیان کردند: مسأله اساسی در پای بند نبودن زوج به ازدواج و علت اصلی آن، عدم صمیمیت آنان، دل‌بستگی نایمن است زیرا ناامنی روابط را تخریب می‌کند و آشفتگی هیجانی ایجاد می‌سازد. در واقع نایمن‌ها علاقه کمتری به ایجاد رابطه رومانتیک و تجربه صمیمیت دارند و این بی‌علاقگی در خصوص تعهد پذیری طولانی مدت به اوج خود می‌رسد.

بزرگسالان دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی خودشان را بی‌نیاز از دیگران تلقی می‌کنند. این افراد آسیب‌پذیری را انکار، و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت نشان می‌دهند (وردن، پیترز، بری، باروکل و لیورسیج^۱، ۲۰۰۸). در واقع افرادی که سطوح بالاتری از دل‌بستگی اجتنابی دارند اهمیت روابط صمیمی و نیاز به نزدیکی را انکار می‌کنند. در نتیجه، سیستم دل‌بستگی در این افراد غیرفعال می‌شود و در روابطشان به دنبال حمایت از همسر نیستند (کانس^۲ و شیور، ۱۹۹۴). شوهری که در مقایسه با همسر خود سبک دل‌بستگی اجتنابی بالاتری داشته باشد ممکن است نیازهای همسر را رد کند یا با خشم به آن‌ها پاسخ دهد و هنگامی که خود نیز دچار درماندگی شود از همسر فاصله گیرد (سیمپسون، رولز و نلیگان^۳، ۱۹۹۲).

همچنین نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین سبک دل‌بستگی ایمن و تعهد زناشویی رابطه معنادار وجود ندارد. به معنای دیگر سبک دل‌بستگی ایمن در افراد با خیانت زناشویی پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی آن‌ها نمی‌باشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۰) همسو و با پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۱) ناهمسو می‌باشد. باید توجه داشت که نمونه پژوهش حاضر را افراد خیانت کرده تشکیل می‌دهد و پژوهش فتحی بر روی زنان و مردان متأهل صورت گرفته است. همچنین لازم به ذکر

1. Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liversidge, T.

2. Kuncle, L. J.

3. Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S.

است که ضریب پایایی مقیاس سبک دلبستگی ایمن همانند دو مقیاس دیگر (اضطرابی و اجتنابی) خوب نبوده است، که یکی از دلایل ضعف این متغیر در ایفای نقش در پژوهش حاضر می‌باشد.

بنابراین با توجه به اینکه سبک‌های دلبستگی در دوران کودکی شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی در آینده تأثیر بسزایی دارد، و همچنین با توجه به اثر سبک‌های دلبستگی نا ایمن با تعهد زناشویی، پیشنهاد می‌شود در سیستم‌های آموزشی خصوصاً مهد کودک‌ها جهت اصلاح و تغییر سبک‌های نا ایمن، برنامه‌های آموزشی تدوین شود چون تغییرات و اصلاح هر چه سریعتر آغاز شود تأثیر بیشتری خواهد داشت. همچنین پیشنهاد می‌شود که با برگزاری کارگاه‌های پیش از ازدواج، به مباحثی با هدف شناخت نشانه‌های دال بر دارا بودن سبک‌های دلبستگی نا ایمن پرداخته شود. همچنین با توجه به تأثیر بسیار قوی شیوه تربیت والدین در شکل‌گیری سبک‌های نا ایمن دلبستگی لازم است برنامه ریزی جامعی در راستای آموزش زوجین قبل از والد شدن در جهت یادگیری اصول صحیح تربیتی و تعامل مناسب با فرزند صورت پذیرد. تا با پیشگیری به هنگام و کم هزینه از شکل‌گیری آسیب‌های روانی جلوگیری کرد.

منابع

- بشارت، م. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای مکانیسم‌های دفاعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۱ (۲۱). ص، ۲۲-۷.
- ترابیان، ل. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران خیانت دیده، همسران بی‌وفا و همسران عادی. پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی. دانشگاه الزهرا.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹ (۳). ص، ۴۵۳-۴۴۳.
- خجسته مهر، ر. احمدی میلانی، م. سودانی، م. (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی نا ایمن و صمیمیت زناشویی. روان‌شناسی معاصر، ۹ (۱). ص، ۴۳-۵۴.
- خوارزمی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با گرایش به روابط خارج از ازدواج زنان شاغل بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هرمزگان واحد بین‌الملل.
- دونوان، ج. (۲۰۰۳). زوج درمانی روابط موضوعی. ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران (۱۳۸۶). تهران: نشر

فراروان.

- سهرابی، ف و رسولی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران. *خانواده پژوهی*، ۴ (۱۴)، ص ۱۴۳-۱۳۳.
- عبدالهی، ن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تعهد زناشویی با سبک دلبستگی و تمایز نیافتگی خود. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- عبدی، م. ر. (۱۳۹۱). بررسی سبک دلبستگی و رضایت زناشویی افراد متاهل درگیر خیانت اینترنتی. *مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی الزهرا*. ۸ (۳)، ۱۵۸-۱۳۵.
- فتحی، ا. ا. اعتمادی، ا. حاتمی، ا. و گرجی، ز. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی. زن و مطالعات خانواده. ۵ (۴)، ص، ۸۲-۶۳.
- قنبری هاشم آبادی، ب. ع. حاتمی ورزشه، ا. اسمعیلی، م. و فرحبخش، ک. (۲۰۱۱). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزند پروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متاهل دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۲ (۷)، ۳۹-۶۰.
- محمدی، ب. (۱۳۹۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی و نگرش مذهبی در زوجین ساکن شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و فرهنگ.
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Ainsworth, M. S. (1989). Attachments beyond infancy. *American psychologist*, 44(4), 709-716.
- Allen, E. S., & Baucom, D. H. (2004). Adult Attachment and Patterns of Extradynamic involvement. *Family Process*, 43, 467-488.
- Arriaga, X. B., Agnew, C. R. (2001). Being committed: affective, cognitive and conative components of relationship commitment. *Personality and social psychology bulletin*, 27, 1190-1203.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: a test of a four-category model. *Journal of personality and social psychology*, 61(2), 226-244.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships ii: A substantive review. *Journal of marital and family therapy*, 31(2), 217-233.
- Bogaert, A. F., & Sadava, S. (2002). Adult attachment and sexual behavior. *Personal Relationships*, 191-204.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Attachment*; John Bowlby. Basic Books.
- DeWall, C. N., Lambert, N. M., Slotter, E. B., Pond Jr, R. S., Deckman, T., Finkel, E. J., ... & Fincham, F. D. (2011). So far away from one's partner, yet so close to romantic alternatives: avoidant attachment, interest in alternatives, and

- infidelity. *Journal of personality and social psychology*, 101(6), 1302-1316.
- Drigotas, S. M., & Barta, W. (2001). The cheating heart: Scientific explorations of infidelity. *Current directions in psychological science*, 10(5), 177-180.
 - Feldman, S. S., & Cauffman, E. (1999). Sexual betrayal among late adolescents: Perspectives of the perpetrator and the aggrieved. *Journal of Youth and Adolescence*, 28(2), 235-258.
 - Glass, S. P., & Wright, T. L. (1992). Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender. *The Journal of Sex Research*, 29, 361-387.
 - Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Conceptualizing romantic love as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
 - Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(2-3), 5-16.
 - Johnson, S. M., & Whiffen, V. E. (Eds.). (2003). *Attachment processes in couple and family therapy*. Guilford Press.
 - Judy, B. A. (2006). Understanding the contribution of relative commitment to the link between romantic attachment and jealousy. ProQuest.
 - Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(6), 861-869.
 - Kunce, L. J., & Shaver, P. R. (1994). An attachment-theoretical approach to caregiving in romantic relationships. *Advances in personal relationships: Attachment processes in adulthood*, 5, 205-237.
 - Morgan, H. J., & Shaver, P. R. (1999). Attachment processes and commitment to romantic relationships. In *Handbook of interpersonal commitment and relationship stability* (pp. 109-124). Springer US.
 - Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements: An assessment of the generalizability of the investment model. *Social Psychology Quarterly*, 81-89.
 - Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*, 59(5), 971-980.
 - Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving within couples in an anxiety-provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of personality and social psychology*, 62(3), 434-446.
 - Stephan, C. W., & Bachman, G. F. (1999). What's sex got to do with it? Attachment, love schemas and sexuality. *Personal Relationships*, 6, 111-123.
 - Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liversidge, T. (2008). Adult conflict styles and humor styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European Journal of Personality*, 22, 131-146.